

جورج لیکاف و مارک جانسون

# فلسفه جسمانی

ذهن جسمانی و چالش آن با اندیشه غرب

(۱)

ترجمه

جهانشاه میرزاییگی



## مقدمه

نوشته دکتر عبدالله نصری

کتاب حاضر یکی از آثار مهم در زمینه علوم شناختی است. علوم شناختی از جمله دانش‌های جدیدی است که به گفته مؤلفان از سال‌های دهه ۷۰ آغاز شده و از دیدگاه طرح مسائلی علمی در آغاز راه است. تلقی مؤلفان از علوم شناختی به شرح زیر است:

آن‌گونه که در علوم شناختی مرسوم است، ما اصطلاح را در غنی‌ترین معنی برای توصیف عملیات و ساختارهای ذهنی‌ای به کار می‌بریم که شامل زبان، معنی، ادراک، نظام‌های مفهومی و خرد می‌شود. چون نظام‌های مفهومی و خرد ما برخاسته از بدن‌های ماست، اصطلاح شناختی را برای جنبه‌هایی از نظام حسی - حرکتی خود به کار خواهیم برد که در توانایی ما برای مفهوم‌سازی و خرد مؤثرند. (ص ۲۴)

از نظر مؤلفان «چون عملیات شناختی عمدتاً ناآگاهانه است» لذا آن‌ها اصطلاح ناآگاه شناختی را برای علوم شناختی به کار می‌برند. با این بیان علوم شناختی را مطالعه ناآگاه شناختی می‌دانند که درباره مفهوم‌سازی تجربیات و چه گونه اندیشیدن انسان سخن می‌گوید.



از نظر علوم شناختی هر موجود زنده‌ای امور مختلف را مقوله‌بندی می‌کند. حتی آمیب‌ها مقوله‌بندی می‌کنند. آمیب در مواجهه با مواد گوناگون، آن‌ها را به غذا و غیر غذا دسته‌بندی می‌کنند. «جانوران غذا، شکارچی، جفت احتمالی و اعضای گروه خود را مقوله‌بندی می‌کنند. نحوه مقوله‌بندی جانوران به دستگاه حسی آن‌ها، توانایی حرکتی آن‌ها و دست‌کاری اجسام توسط آن‌ها بستگی دارد.» (ص ۳۱) در واقع مؤلفان، فعالیت‌های غریزی جانوران را همان مقوله‌بندی می‌دانند. مقوله‌بندی‌ها هم در اکثر موارد نتیجه استدلال‌های آگاهانه نیست، زیرا توسط اعضا و حواس انسان صورت می‌گیرند. برای مثال «ماهیچه‌های بدن و استفاده از آن‌ها به روش‌های خاص برای اعمال نیرو، به تشکیل نظام‌های مفهومی علیت منجر شده است.» (ص ۳۳)

بیشتر مباحث این کتاب مربوط به مفهوم‌سازی است. یعنی چه گونه مفاهیم گوناگون مانند زمان، علیت، خود و... در ذهن انسان ساخته می‌شوند. با طرح بحث مفهوم‌سازی مؤلفان وارد مباحث مربوط به استعاره می‌شوند و این‌که استعاره مربوط به مفاهیم است و برخلاف نظر گذشتگان دارای ویژگی‌های زیر است:

۱. مربوط به اندیشه است، نه زبان
۲. زبان استعاری، بخشی از زبان متعارف است
۳. زبان استعاری عادی و بهنجار است، نه انحرافی
۴. بسیاری از استعاره‌ها به غلط مرده تلقی می‌شوند. استعاره‌های متعارف زنده‌اند نه مرده. استعاره مرده یک عبارت زبانی است که اکنون به کارگیری و انطباق مفهومی گذشته را ندارد.
۵. استعاره‌ها بیان شباهت‌های لفظی نیستند، بلکه به کارگیری یا انطباق یک مفهوم از یک حوزه به حوزه دیگرند.

در بحث از مفهوم‌سازی‌های استعاری، مؤلفان برای کنش‌های جسمانی

انسان نقش بسیار قائل‌اند. آن‌ها همه فعالیت‌های ذهنی انسان را مربوط به مغز می‌دانند که ریشه آن‌ها را باید در استعاره‌ها سراغ گرفت. «استعاره‌ها نیز در مغز ما به صورت فیزیکی تحقق پیدا می‌کنند و عمدتاً در کنترل ما نیستند.» (ص ۹۰) از همین مطلب به این نتیجه می‌رسند که همه ادراکات و حتی استنباط‌های ما جنبه جسمانی دارند.

مؤلفان مثال‌هایی را در باب استعاره‌های اولیه ارائه می‌دهند که به زعم آن‌ها آگاهانه نیستند و ناشی از «انطباق مفهومی بی واسطه از طریق ارتباط نورونی» هستند. (صص ۷۸-۸۳). برای نمونه استعاره کمک حمایت است از این‌جا ناشی می‌شود که ما در حوزه حسی - حرکتی، حمایت فیزیکی را ادراک می‌کنیم؛ یعنی در ابتدا مشاهده می‌کنیم که برخی افراد یا پدیده‌ها برای ادامه کارکرد خود نیازمند حمایت هستند، و سپس آن را در مورد حمایت از سازمان‌های خیریه به کار می‌بریم. یا اگر عاطفه را گرما تلقی می‌کنیم این تلقی ناشی از آن است که در حوزه حسی - حرکتی، دما را درک می‌کنیم و به واسطه آن احساس گرما در عین برخورداری از رفتار عاطفی را به دست می‌آوریم. و اگر در مواردی ادعا می‌کنیم که دوستان ما به گرمی از ما استقبال می‌کنند، فرایند این ادراک را باید در تجربه حسی ناآگاهانه گرمای فیزیکی سراغ گرفت.

استعاره‌های بسیاری را مؤلفان این‌گونه تحلیل می‌کنند. از نظر آن‌ها «این استعاره‌ها در مغز ما به صورت فیزیکی تحقق پیدا می‌کنند و عمدتاً در کنترل ما نیستند. این‌ها نتیجه طبیعی ماهیت مغزهای ما، بدن‌های ما و جهانی هستند که ما در آن زندگی می‌کنیم.»

این‌که برخی استعاره‌ها ریشه در ادراکات حسی ما دارند، غیر از آن است که آن‌ها را نتیجه طبیعی ماهیت مغزهای خود و ناآگاهانه بدانیم. سخن اصلی مؤلفان این است که ما به هنگام اندیشیدن از مفاهیم استعاری بهره می‌بریم که نسبت به آن‌ها ناآگاهیم. به بیان دیگر بسیاری از فعالیت‌های ذهنی «به صورت خود کار و بدون تلاش آگاهانه» توسط انسان انجام می‌شود. مؤلفان به این



## فهرست

[۱]

دبیاچه مترجم ..... ۱۳

### بخش یکم

چگونه ذهن جسمانی سنت فلسفی غرب را به چالش می‌کشد

۱. مقدمه: ما کی هستیم؟ ..... ۱۹
۲. ناآگاه شناختی ..... ۲۸
۳. ذهن جسمانی ..... ۳۷
۴. استعاره اولیه و تجربه ذهنی ..... ۷۹
۵. کالبدشکافی استعاره مرکب ..... ۱۰۰
۶. واقع‌گرایی جسمانی: علوم شناختی در برابر فلسفه ازپیشی ..... ۱۱۹
۷. واقع‌گرایی و حقیقت ..... ۱۴۷
۸. استعاره و حقیقت ..... ۱۸۳

### بخش دوم

رویدادها، علیت، زمان، خویشتن، ذهن و اخلاق

۹. علوم شناختی ایده‌های فلسفی ..... ۲۰۱
۱۰. زمان ..... ۲۰۷
۱۱. رویدادها و علت‌ها ..... ۲۵۲
۱۲. ذهن ..... ۳۳۶
۱۳. خویشتن ..... ۳۸۰
۱۴. اصول اخلاقی ..... ۴۰۸
- مرجع‌ها ..... ۴۷۵



جورج لیکاف، مارک جانسون

# فلسفہ جسمانی

ذهن جسمانی و چالش آن با اندیشہ غرب

(۲)

ترجمہ

جہانشاہ میرزاییگی

۹	۱۵
۲۲	۱۶
۵۱	۱۷
۵۶	۱۸
۶۲	۱۹
۱۳۱	۲۰
۱۷۱	۲۱
۲۱۷	۲۲
۲۸۵	۲۳
۳۱۵	۲۴
۳۳۳	۲۵
۳۴۱	۲۶
۳۴۹	۲۷
۳۷۱	۲۸
۳۷۷	۲۹
۳۸۱	۳۰
۳۸۵	۳۱
۳۸۹	۳۲
۳۹۳	۳۳
۳۹۷	۳۴
۴۰۱	۳۵
۴۰۵	۳۶
۴۰۹	۳۷
۴۱۳	۳۸
۴۱۷	۳۹
۴۲۱	۴۰
۴۲۵	۴۱
۴۲۹	۴۲
۴۳۳	۴۳
۴۳۷	۴۴
۴۴۱	۴۵
۴۴۵	۴۶
۴۴۹	۴۷
۴۵۳	۴۸
۴۵۷	۴۹
۴۶۱	۵۰
۴۶۵	۵۱
۴۶۹	۵۲
۴۷۳	۵۳
۴۷۷	۵۴
۴۸۱	۵۵
۴۸۵	۵۶
۴۸۹	۵۷
۴۹۳	۵۸
۴۹۷	۵۹
۵۰۱	۶۰
۵۰۵	۶۱
۵۰۹	۶۲
۵۱۳	۶۳
۵۱۷	۶۴
۵۲۱	۶۵
۵۲۵	۶۶
۵۲۹	۶۷
۵۳۳	۶۸
۵۳۷	۶۹
۵۴۱	۷۰
۵۴۵	۷۱
۵۴۹	۷۲
۵۵۳	۷۳
۵۵۷	۷۴
۵۶۱	۷۵
۵۶۵	۷۶
۵۶۹	۷۷
۵۷۳	۷۸
۵۷۷	۷۹
۵۸۱	۸۰
۵۸۵	۸۱
۵۸۹	۸۲
۵۹۳	۸۳
۵۹۷	۸۴
۶۰۱	۸۵
۶۰۵	۸۶
۶۰۹	۸۷
۶۱۳	۸۸
۶۱۷	۸۹
۶۲۱	۹۰
۶۲۵	۹۱
۶۲۹	۹۲
۶۳۳	۹۳
۶۳۷	۹۴
۶۴۱	۹۵
۶۴۵	۹۶
۶۴۹	۹۷
۶۵۳	۹۸
۶۵۷	۹۹
۶۶۱	۱۰۰
۶۶۵	۱۰۱
۶۶۹	۱۰۲
۶۷۳	۱۰۳
۶۷۷	۱۰۴
۶۸۱	۱۰۵
۶۸۵	۱۰۶
۶۸۹	۱۰۷
۶۹۳	۱۰۸
۶۹۷	۱۰۹
۷۰۱	۱۱۰
۷۰۵	۱۱۱
۷۰۹	۱۱۲
۷۱۳	۱۱۳
۷۱۷	۱۱۴
۷۲۱	۱۱۵
۷۲۵	۱۱۶
۷۲۹	۱۱۷
۷۳۳	۱۱۸
۷۳۷	۱۱۹
۷۴۱	۱۲۰
۷۴۵	۱۲۱
۷۴۹	۱۲۲
۷۵۳	۱۲۳
۷۵۷	۱۲۴
۷۶۱	۱۲۵
۷۶۵	۱۲۶
۷۶۹	۱۲۷
۷۷۳	۱۲۸
۷۷۷	۱۲۹
۷۸۱	۱۳۰
۷۸۵	۱۳۱
۷۸۹	۱۳۲
۷۹۳	۱۳۳
۷۹۷	۱۳۴
۸۰۱	۱۳۵
۸۰۵	۱۳۶
۸۰۹	۱۳۷
۸۱۳	۱۳۸
۸۱۷	۱۳۹
۸۲۱	۱۴۰
۸۲۵	۱۴۱
۸۲۹	۱۴۲
۸۳۳	۱۴۳
۸۳۷	۱۴۴
۸۴۱	۱۴۵
۸۴۵	۱۴۶
۸۴۹	۱۴۷
۸۵۳	۱۴۸
۸۵۷	۱۴۹
۸۶۱	۱۵۰
۸۶۵	۱۵۱
۸۶۹	۱۵۲
۸۷۳	۱۵۳
۸۷۷	۱۵۴
۸۸۱	۱۵۵
۸۸۵	۱۵۶
۸۸۹	۱۵۷
۸۹۳	۱۵۸
۸۹۷	۱۵۹
۹۰۱	۱۶۰
۹۰۵	۱۶۱
۹۰۹	۱۶۲
۹۱۳	۱۶۳
۹۱۷	۱۶۴
۹۲۱	۱۶۵
۹۲۵	۱۶۶
۹۲۹	۱۶۷
۹۳۳	۱۶۸
۹۳۷	۱۶۹
۹۴۱	۱۷۰
۹۴۵	۱۷۱
۹۴۹	۱۷۲
۹۵۳	۱۷۳
۹۵۷	۱۷۴
۹۶۱	۱۷۵
۹۶۵	۱۷۶
۹۶۹	۱۷۷
۹۷۳	۱۷۸
۹۷۷	۱۷۹
۹۸۱	۱۸۰
۹۸۵	۱۸۱
۹۸۹	۱۸۲
۹۹۳	۱۸۳
۹۹۷	۱۸۴
۱۰۰۱	۱۸۵
۱۰۰۵	۱۸۶
۱۰۰۹	۱۸۷
۱۰۱۳	۱۸۸
۱۰۱۷	۱۸۹
۱۰۲۱	۱۹۰
۱۰۲۵	۱۹۱
۱۰۲۹	۱۹۲
۱۰۳۳	۱۹۳
۱۰۳۷	۱۹۴
۱۰۴۱	۱۹۵
۱۰۴۵	۱۹۶
۱۰۴۹	۱۹۷
۱۰۵۳	۱۹۸
۱۰۵۷	۱۹۹
۱۰۶۱	۲۰۰
۱۰۶۵	۲۰۱
۱۰۶۹	۲۰۲
۱۰۷۳	۲۰۳
۱۰۷۷	۲۰۴
۱۰۸۱	۲۰۵
۱۰۸۵	۲۰۶
۱۰۸۹	۲۰۷
۱۰۹۳	۲۰۸
۱۰۹۷	۲۰۹
۱۱۰۱	۲۱۰
۱۱۰۵	۲۱۱
۱۱۰۹	۲۱۲
۱۱۱۳	۲۱۳
۱۱۱۷	۲۱۴
۱۱۲۱	۲۱۵
۱۱۲۵	۲۱۶
۱۱۲۹	۲۱۷
۱۱۳۳	۲۱۸
۱۱۳۷	۲۱۹
۱۱۴۱	۲۲۰
۱۱۴۵	۲۲۱
۱۱۴۹	۲۲۲
۱۱۵۳	۲۲۳
۱۱۵۷	۲۲۴
۱۱۶۱	۲۲۵
۱۱۶۵	۲۲۶
۱۱۶۹	۲۲۷
۱۱۷۳	۲۲۸
۱۱۷۷	۲۲۹
۱۱۸۱	۲۳۰
۱۱۸۵	۲۳۱
۱۱۸۹	۲۳۲
۱۱۹۳	۲۳۳
۱۱۹۷	۲۳۴
۱۲۰۱	۲۳۵
۱۲۰۵	۲۳۶
۱۲۰۹	۲۳۷
۱۲۱۳	۲۳۸
۱۲۱۷	۲۳۹
۱۲۲۱	۲۴۰
۱۲۲۵	۲۴۱
۱۲۲۹	۲۴۲
۱۲۳۳	۲۴۳
۱۲۳۷	۲۴۴
۱۲۴۱	۲۴۵
۱۲۴۵	۲۴۶
۱۲۴۹	۲۴۷
۱۲۵۳	۲۴۸
۱۲۵۷	۲۴۹
۱۲۶۱	۲۵۰
۱۲۶۵	۲۵۱
۱۲۶۹	۲۵۲
۱۲۷۳	۲۵۳
۱۲۷۷	۲۵۴
۱۲۸۱	۲۵۵
۱۲۸۵	۲۵۶
۱۲۸۹	۲۵۷
۱۲۹۳	۲۵۸
۱۲۹۷	۲۵۹
۱۳۰۱	۲۶۰
۱۳۰۵	۲۶۱
۱۳۰۹	۲۶۲
۱۳۱۳	۲۶۳
۱۳۱۷	۲۶۴
۱۳۲۱	۲۶۵
۱۳۲۵	۲۶۶
۱۳۲۹	۲۶۷
۱۳۳۳	۲۶۸
۱۳۳۷	۲۶۹
۱۳۴۱	۲۷۰
۱۳۴۵	۲۷۱
۱۳۴۹	۲۷۲
۱۳۵۳	۲۷۳
۱۳۵۷	۲۷۴
۱۳۶۱	۲۷۵
۱۳۶۵	۲۷۶
۱۳۶۹	۲۷۷
۱۳۷۳	۲۷۸
۱۳۷۷	۲۷۹
۱۳۸۱	۲۸۰
۱۳۸۵	۲۸۱
۱۳۸۹	۲۸۲
۱۳۹۳	۲۸۳
۱۳۹۷	۲۸۴
۱۴۰۱	۲۸۵
۱۴۰۵	۲۸۶
۱۴۰۹	۲۸۷
۱۴۱۳	۲۸۸
۱۴۱۷	۲۸۹
۱۴۲۱	۲۹۰
۱۴۲۵	۲۹۱
۱۴۲۹	۲۹۲
۱۴۳۳	۲۹۳
۱۴۳۷	۲۹۴
۱۴۴۱	۲۹۵
۱۴۴۵	۲۹۶
۱۴۴۹	۲۹۷
۱۴۵۳	۲۹۸
۱۴۵۷	۲۹۹
۱۴۶۱	۳۰۰
۱۴۶۵	۳۰۱
۱۴۶۹	۳۰۲
۱۴۷۳	۳۰۳
۱۴۷۷	۳۰۴
۱۴۸۱	۳۰۵
۱۴۸۵	۳۰۶
۱۴۸۹	۳۰۷
۱۴۹۳	۳۰۸
۱۴۹۷	۳۰۹
۱۵۰۱	۳۱۰
۱۵۰۵	۳۱۱
۱۵۰۹	۳۱۲
۱۵۱۳	۳۱۳
۱۵۱۷	۳۱۴
۱۵۲۱	۳۱۵
۱۵۲۵	۳۱۶
۱۵۲۹	۳۱۷
۱۵۳۳	۳۱۸
۱۵۳۷	۳۱۹
۱۵۴۱	۳۲۰
۱۵۴۵	۳۲۱
۱۵۴۹	۳۲۲
۱۵۵۳	۳۲۳
۱۵۵۷	۳۲۴
۱۵۶۱	۳۲۵
۱۵۶۵	۳۲۶
۱۵۶۹	۳۲۷
۱۵۷۳	۳۲۸
۱۵۷۷	۳۲۹
۱۵۸۱	۳۳۰
۱۵۸۵	۳۳۱
۱۵۸۹	۳۳۲
۱۵۹۳	۳۳۳
۱۵۹۷	۳۳۴
۱۶۰۱	۳۳۵
۱۶۰۵	۳۳۶
۱۶۰۹	۳۳۷
۱۶۱۳	۳۳۸
۱۶۱۷	۳۳۹
۱۶۲۱	۳۴۰
۱۶۲۵	۳۴۱
۱۶۲۹	۳۴۲
۱۶۳۳	۳۴۳
۱۶۳۷	۳۴۴
۱۶۴۱	۳۴۵
۱۶۴۵	۳۴۶
۱۶۴۹	۳۴۷
۱۶۵۳	۳۴۸
۱۶۵۷	۳۴۹
۱۶۶۱	۳۵۰
۱۶۶۵	۳۵۱
۱۶۶۹	۳۵۲
۱۶۷۳	۳۵۳
۱۶۷۷	۳۵۴
۱۶۸۱	۳۵۵
۱۶۸۵	۳۵۶
۱۶۸۹	۳۵۷
۱۶۹۳	۳۵۸
۱۶۹۷	۳۵۹
۱۷۰۱	۳۶۰
۱۷۰۵	۳۶۱
۱۷۰۹	۳۶۲
۱۷۱۳	۳۶۳
۱۷۱۷	۳۶۴
۱۷۲۱	۳۶۵
۱۷۲۵	۳۶۶
۱۷۲۹	۳۶۷
۱۷۳۳	۳۶۸
۱۷۳۷	۳۶۹
۱۷۴۱	۳۷۰
۱۷۴۵	۳۷۱
۱۷۴۹	۳۷۲
۱۷۵۳	۳۷۳
۱۷۵۷	۳۷۴
۱۷۶۱	۳۷۵
۱۷۶۵	۳۷۶
۱۷۶۹	۳۷۷
۱۷۷۳	۳۷۸
۱۷۷۷	۳۷۹
۱۷۸۱	۳۸۰
۱۷۸۵	۳۸۱
۱۷۸۹	۳۸۲
۱۷۹۳	۳۸۳
۱۷۹۷	۳۸۴
۱۸۰۱	۳۸۵
۱۸۰۵	۳۸۶
۱۸۰۹	۳۸۷
۱۸۱۳	۳۸۸
۱۸۱۷	۳۸۹
۱۸۲۱	۳۹۰
۱۸۲۵	۳۹۱
۱۸۲۹	۳۹۲
۱۸۳۳	۳۹۳
۱۸۳۷	۳۹۴
۱۸۴۱	۳۹۵
۱۸۴۵	۳۹۶
۱۸۴۹	۳۹۷
۱۸۵۳	۳۹۸
۱۸۵۷	۳۹۹
۱۸۶۱	۴۰۰
۱۸۶۵	۴۰۱
۱۸۶۹	۴۰۲
۱۸۷۳	۴۰۳
۱۸۷۷	۴۰۴
۱۸۸۱	۴۰۵
۱۸۸۵	۴۰۶
۱۸۸۹	۴۰۷
۱۸۹۳	۴۰۸
۱۸۹۷	۴۰۹
۱۹۰۱	۴۱۰
۱۹۰۵	۴۱۱
۱۹۰۹	۴۱۲
۱۹۱۳	۴۱۳
۱۹۱۷	۴۱۴
۱۹۲۱	۴۱۵
۱۹۲۵	۴۱۶
۱۹۲۹	۴۱۷
۱۹۳۳	۴۱۸
۱۹۳۷	۴۱۹
۱۹۴۱	۴۲۰
۱۹۴۵	۴۲۱
۱۹۴۹	۴۲۲
۱۹۵۳	۴۲۳
۱۹۵۷	۴۲۴
۱۹۶۱	۴۲۵
۱۹۶۵	۴۲۶
۱۹۶۹	۴۲۷
۱۹۷۳	۴۲۸
۱۹۷۷	۴۲۹
۱۹۸۱	۴۳۰
۱۹۸۵	۴۳۱
۱۹۸۹	۴۳۲
۱۹۹۳	۴۳۳
۱۹۹۷	۴۳۴
۲۰۰۱	۴۳۵
۲۰۰۵	۴۳۶
۲۰۰۹	۴۳۷
۲۰۱۳	۴۳۸
۲۰۱۷	۴۳۹
۲۰۲۱	۴۴۰
۲۰۲۵	۴۴۱
۲۰۲۹	۴۴۲
۲۰۳۳	۴۴۳
۲۰۳۷	۴۴۴
۲۰۴۱	۴۴۵
۲۰۴۵	۴۴۶
۲۰۴۹	۴۴۷
۲۰۵۳	۴۴۸
۲۰۵۷	۴۴۹
۲۰۶۱	۴۵۰
۲۰۶۵	۴۵۱
۲۰۶۹	۴۵۲
۲۰۷۳	۴۵۳
۲۰۷۷	۴۵۴
۲۰۸۱	۴۵۵
۲۰۸۵	۴۵۶
۲۰۸۹	۴۵۷
۲۰۹۳	۴۵۸
۲۰۹۷	۴۵۹
۲۱۰۱	۴۶۰
۲۱۰۵	۴۶۱
۲۱۰۹	۴۶۲
۲۱۱۳	۴۶۳
۲۱۱۷	۴۶۴
۲۱۲۱	۴۶۵</



## فهرست

[۲]

### بخش سوم علوم شناختی فلسفه

۱۵. علوم شناختی فلسفه ..... ۹
۱۶. پیش از سقراط: علوم شناختی متافیزیکی یونان باستان ..... ۲۳
۱۷. افلاطون ..... ۵۱
۱۸. ارسطو ..... ۶۵
۱۹. دکارت و ذهن روشنگری ..... ۹۳
۲۰. اخلاق کانت ..... ۱۳۱
۲۱. فلسفه تحلیلی ..... ۱۷۱
۲۲. فلسفه چامسکی و زبان‌شناسی شناختی ..... ۲۱۷
۲۳. نظریه کنش عقلانی ..... ۲۸۵
۲۴. نظریه‌های فلسفی چه گونه کار می‌کنند ..... ۳۲۵

### بخش چهارم فلسفه جسمانی

۲۵. فلسفه جسمانی ..... ۳۴۳
- پیوست: نظریه نورونی الگوی زبان ..... ۳۷۱
- مرجع‌ها ..... ۴۰۱
- نمایه ..... ۴۱۷



## علوم شناختی فلسفه

### نظریه‌های فلسفی و نظریه‌های عامیانه

نظریه‌های فلسفی تلاش‌هایی برای معنا بخشیدن به تجربیات ما هستند — برای این‌که بفهمیم چرا پدیده‌ها این‌گونه هستند که هستند، برای این‌که بدانیم ما که هستیم، برای این‌که تصمیم بگیریم چه‌گونه باید زندگی کنیم. هر نظریه فلسفی، با کاوش در جهت یافتن توصیفی از جهان و جایگاه ما در آن، تلاش می‌کند به پرسش‌های «بزرگی» پاسخ بدهد؛ توصیفی که جامع، منطقی و از درون سازگار باشد. دیدگاه‌های متفاوتی در این باره که یک فلسفه رضایت بخش چه‌گونه باید باشد وجود دارد، اما همه آن‌ها مستلزم تحلیل مفهومی جامع و استدلال عقلانی هستند. چون ماهیت خرد و مفاهیم انسانی به‌طور علمی از طریق علوم شناختی مطالعه می‌شوند، باید انتظار داشته باشیم که این نظریه‌ها تأثیر مستقیمی بر فهم ما از ماهیت خود فلسفه نیز داشته باشند — که دارند و حسابی هم دارند.

قبلاً چند پی‌آمد مهم علوم شناختی جسمانی را در باب فلسفه، مانند فهم جدید ما از مفاهیم پایه‌ای چون زمان، علیت، رویدادها، خویشتن و ذهن مطالعه کردیم. این مفاهیم جدید حاصل کاربرد ابزارها و روش‌های علوم شناختی جسمانی در تحلیل مفاهیم پایه فلسفی‌اند.



اما علوم شناختی جسمانی کاربردی دیگر، و به همان اندازه روشن‌گر، نیز در فلسفه دارد. خود تاریخ فلسفه را می‌توان از دیدگاه آن‌چه ما درباره مفهوم‌سازی و استدلال می‌آموزیم موضوع مطالعه در نظر گرفت. چون فلسفه نیز از همان منابع مفهومی مشترک میان همه انسان‌ها استفاده می‌کند، می‌توان آن را نیز هم‌چون یک فعالیت مفهومی مطالعه کرد. می‌توانیم دریابیم که چه چیزی امکان فهم یک فلسفه معین را برای ما فراهم می‌سازد، چه‌گونه این فلسفه از انواع مختلف ابزارهای تخیلی، که سازنده فهم انسان هستند، استفاده می‌کند، و چرا برخی دیدگاه‌های فلسفی، به نظر اعضای یک فرهنگ خاص، شهودی هستند (یا نیستند). ما این کار را «علوم شناختی فلسفه» می‌نامیم.

هر فیلسوفی برای پایه‌ریزی نظریه‌های خود درباره وجود، دانش، ذهن و اخلاق از همان منابع مفهومی و نظام مفهومی پایه‌ای استفاده می‌کند که میان آدم‌های معمولی در فرهنگ او مشترک‌اند. نظریه‌ها، شاید برخی از این مفاهیم را بپیرایند و تغییر دهند، ارتباط‌های جدیدی را کشف یا کاربردهای تازه‌ای را استخراج کنند، اما در نهایت از همان مصالح مفهومی موجود در بافت تاریخی خاص خود بهره‌برداری می‌کنند. به عنوان نمونه، بگذارید ببینیم چه‌گونه می‌توانیم یک مطلب معروف اثر جان لاک، به نام مقاله‌ای در باب فهم انسان، را بخوانیم و بفهمیم؛ لاک در این مقاله منشأ ایده‌ها در ذهن را توصیف می‌کند:

اگر از من بپرسند این همه مصالح خرد و دانش از کجا می‌آید؟ در یک کلمه پاسخ می‌دهم، از تجربه... مشاهدات ما هم در مورد اجسام محسوس خارجی و هم در باب عملیات درونی ذهن‌ها که توسط خود ما ادراک و بازنمایی می‌شود، منبع فهم ما با تمامی مصالح اندیشه آن است. (سی ۲، لاک، فهم انسان، کتاب ۲، فصل ۱، ص ۲).

وقتی این مطلب را می‌خوانیم بلافاصله متوجه می‌شویم که لاک ذهن را ظرفی در نظر می‌گیرد که اجسامی از خارج وارد آن می‌شوند (مانند تأثیراتی که اجسام فیزیکی خارجی بر حواس ما می‌گذارند) و اجسامی که، بر اثر نگاه ذهن به عملیات خود «از داخل» پدید می‌آیند. به علاوه، لاک ادراک‌ها را مواد یا مصالحی می‌داند که منابع اصلی برای ساختن ایده‌های مرکب هستند. در این جا دو استعاره متمایز وجود دارد: اولی ذهن به مثابه ظرف مخصوص ادراک‌های پایه‌ای است که از خارج می‌آیند. دیگری ذهن در مقام سازنده یا معمار که از این ادراک‌ها ایده‌های مرکب می‌سازد. لاک سپس راه‌های مختلفی را مورد بررسی قرار می‌دهد که از طریق آن این ایده‌ها از جهان خارج وارد ذهن می‌شوند. یکی از این راه‌ها فقط یکی از پنج حس را شامل می‌شود:

ایده‌هایی وجود دارد که فقط از طریق یک حس پذیرفته می‌شوند، و این حس اختصاصاً برای پذیرش این ایده‌ها سازگاری پیدا کرده است. از این رو، نور و رنگ‌هایی چون سفید، سرخ، زرد، آبی... فقط از طریق چشم وارد می‌شوند... و اگر این اندام‌ها، یا عصب‌هایی که کانال انتقال آن‌ها از بیرون به مخاطبان آن‌ها در داخل مغز است — محل حضور ذهن در مغز (آن‌گونه که من آن را می‌نامم) — به گونه‌ای مختل شده باشند که نتوانند وظایف خود را انجام بدهند، هیچ جای دیگری آن‌ها را نمی‌پذیرد؛ هیچ راه دیگری ندارند که خود را در معرض دید قرار دهند، یا راهی وجود ندارد که فهم بتواند آن‌ها را ادراک کند. (سی ۲، لاک، فهم انسان، کتاب ۲، فصل ۳، ص ۱).

این جا لاک استعاره معمولی درک کردن دریافت کردن است را به کار می‌برد، که در آن ذهن در حالت انفعال اجسام درک‌شدنی را از طریق حواس دریافت می‌کند. عصب‌ها کانال‌هایی هستند که از طریق آن‌ها